



An Examining the Generality of Healing Honey with the Approach of Narrations of the Two Major Islamic Sects*

Reza Bahrami Bueeni^۱

Abstract

In order to achieve happiness, human beings deserve to be in spiritual and physical health; So, it is necessary to provide food for the soul and body. In the Holy Quran and among the Ahl al-Bayt (A.S.), among the food items, “honey” has been emphasized. This research, using a descriptive method and a library data collecting method, has investigated the healing properties of honey with the approach of the narrations of the Two Major Islamic Sects, and in order to maintain the stability of the content and the desired result, the narrations of the Two Major Islamic Sects in the first five centuries of the lunar Hijri have been considered. Despite the correctness of the statement that the basis of the application and the main characteristic of honey is based on its healing properties, but this generality of healing is exceptional, and by carefully examining the words of the traditions, it can be understood that this generality of honey's healing properties is not absolutely correct in all cases, and it needs that the general application of healing honey should be revised.

Keywords: Honey in Narrations, Healing, Narrations of the Two Major Islamic Sects.

*. **Date of receiving:** ۲۷/۱۲/۲۰۲۱, **Date of approval:** ۰۷/۰۶/۲۰۲۲.

^۱. Master, Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran; (Rezabahrami۱۹۷۷@gmail.com).



بررسی عمومیت شفابخشی عسل با رویکرد روایات فریقین*

رضا بهرامی بوئینی^۱

چکیده

بشر برای دستیابی به سعادت، شایسته است که در سلامت روحانی و جسمانی باشد؛ پس ضروری است به غذای روح و جسم عنایت نماید. در قرآن کریم و نزد اهل بیت علیهم‌السلام از میان مواد غذایی، «عسل» را مورد تأکید قرار داده‌اند. این پژوهش به روش توصیفی و با شیوه گردآوری کتابخانه‌ای به بررسی شفابخشی عسل با رویکرد روایات فریقین پرداخته و به جهت حفظ استواری محتوایی و نتیجه مطلوب، روایات فریقین در پنج قرن نخست هجری قمری مورد ملاحظه قرار گرفته است. علی‌رغم صحیح بودن این بیان که اساس کاربست و ویژگی اصلی عسل بر پایه شفابخشی آن می‌باشد ولیکن این عمومیت شفابخشی استثناء‌پذیر است و با بررسی دقیق واژگان روایات مشاهده می‌گردد که این عمومیت شفابخشی عسل، به طور مطلق و در جمیع موارد جاری و ساری نیست و نیازمند آن است که بازنگری در اطلاق عمومیت شفابخشی عسل صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: عسل در روایات، شفابخشی، روایات فریقین.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران؛ (Rezabahrani1977@gmail.com).



مقدمه

در این مقام عمومیت شفابخشی عسل بر مبنای روایات در پنج قرن نخست هجری قمری با رویکرد روایات شیعی و اهل سنت پرداخته می‌شود. ضروری است که در گام نخست به تعریف واژه عسل پرداخته، سپس گونه‌شناسی روایات عسل بیان شود تا از این رهگذر به مطلوب مورد نظر دستیابی صورت پذیرد و به جهت استواری گفتار، مناسب است از منابع معتبر فریقین در پنج قرن نخست هجری قمری بهره برده شود. بررسی روایات عسل در منابع شیعی و اهل سنت صورت گرفته و حاصل آن شناسایی دو گونه روایات است. آنچه در تفکیک روایات مد نظر قرار گرفته، ساختار کلامی و محتوایی مشترک بوده که در دو نوع روایی به شرح ذیل ملاحظه شده است. اول: عسل در نگاه معصومین (علیهم‌السلام)، دوم: شفابخشی عسل در کلام معصومین (علیهم‌السلام).

در باب پیشینه‌شناسی پژوهش، در موضوع «عسل» قبل از این نوشتار، پژوهش‌ها و کتاب‌های مختلف نوشته شده و نوشته‌های پیشین در جایگاه خود قابل تحسین هستند و در حد بیان معروفات و امور تجربی درمان با عسل بوده و یا اشاره‌ای به آیه و روایتی درباره عسل می‌باشد؛ ولیکن رویکرد این تحقیق به نحو تخصصی به مسئله نفی عمومیت شفابخشی عسل بر مبنای روایات پرداخته است.

کتاب‌هایی در موضوع عسل با عناوین ذیل مکتوب شده است. کتاب «عسل» به تألیف حسین خیراندیش؛ کتاب «معجزات درمانی عسل و انگبین‌ها» به تألیف محمد رسول دریایی؛ کتاب «عسل درمانی» به تألیف الهام وفائی؛ کتاب «عسل درمانی» به تألیف جمشید خدادادی؛ کتاب «عسل درمانی» به تألیف اکرم منصوری؛ کتاب «عسل درمانی» به تألیف میترا قاسمی و حسین ستاورز؛ کتاب «عسل درمانی» به تألیف «مسعود هاشمی».

در حوزه مقالات نیز نوشته‌هایی در موضوع «عسل در آیات و روایات» در عناوین ذیل ملاحظه می‌شود. مقاله «عسل و زنبور عسل از منظر قرآن و روایات» به نگارش زهرا امینی کهریزسنگی در همایش ملی فرآورده‌های زنبور عسل از منظر زیست‌شناسی، سلامت و اقتصاد، اصفهان، اردیبهشت ۱۳۹۷؛ مقاله «عسل از دیدگاه قرآن و کاربرد درمانی آن در پزشکی نوین» به نگارش نازیلا نیاپور، علی نیاپور، محسن سقا، کبری رجبی مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل شهریور ۱۳۹۱؛ مقاله «دیدگاه اسلام و طب سنتی و مدرن درباره عسل» به نگارش مسعود شایسته‌آذر، محمد یوسف‌پور، شادی شایسته‌آذر و سمیرا آقاچانی مجله تعالی بالینی آموزشی پژوهشی دوره چهارم، شماره یک؛ مقاله «زنبور عسل از دیدگاه قرآن و روایات» به نگارش «ثریا سبزی‌زاده» در همایش ملی ریافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، خوزستان، اسفند ۱۳۹۴.

دو واژه مهم «عسل» و «شفاء» در این مقاله محور بحث است که ابتدا به مفهوم‌شناسی آنها پرداخته می‌شود و سپس به روایات پرداخته می‌شود.

در تعریف واژه «عسل»، عبارت «آب دهان زنبور عسل» بیان شده و با تعبیر «لُعَابُ النَّحْلِ: الْعَسَل» و «لُعَابُ النَّحْلِ: عَسَلُهُ» آورده شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۳۲/۱؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۵۴). «لعاب» در معنای لغوی متناسب با بحث «آن چیزی است که از دهان جاری می‌شود» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۶۷/۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۹/۲). واژه «عسل» در برگردان آن به زبان فارسی معادل «انگبین» می‌باشد. اگرچه در گفتار کنونی فارسی استعمال واژه «عسل» متداول است. جمع بستن واژه عسل با «العُسلُ» و جمع آن با واژگان دیگر چون «أَعْسَالٌ و عُسُلٌ و عُسْلٌ و عُسُولٌ و عُسْلَانٌ» نیز بیان شده است (صاحب، ۱۴۱۴: ۳۶۲/۱؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۵۷۱/۳). واژه عسل به صورت «مذکر» و هم «مونث» در نزد عرب‌زبان‌ها استفاده شده ولی غالباً با افعال مونث به کار می‌رود (ازهری، ۱۴۲۱: ۵۷/۲؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۳۶۴/۱). در زبان عرب این واژه مترادف یا معادل فراوان دارد و هر یک در مقام و سیاق مرتبط خود صحیح استفاده شده‌اند. «احمد شرقاوی اقبال» در کتاب «معجم المعاجم» خود می‌گوید: «فیروزآبادی صاحب کتاب ترقیق الأسل، لتصفیق العسل برای عسل بیش از هشتاد نام ذکر کرده است» (اقبال، ۱۹۹۳: ۲۸۴؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۵۷/۲).

«شفاء»، واژه‌ای است که گستردگی معنایی دارد؛ این واژه در این مبحث، که به «کسر» حرف «شین» است، مورد نظر است. این واژه از ریشه «شفی» و «شفو» بوده و از لحاظ لغوی به معنای «اشراف» بر چیزی اشاره دارد و این اشراف بر بیماری موجب غلبه بر آن می‌شود و بدین جهت «شفاء» گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹۱/۶). شفا به معنی چیزی است که در شرف نجات و نقطه آخر چیزی است. در کتب لغت شفاء را به معنای «صحت» و سلامتی آورده‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۵۸/۴). بنابراین می‌توان شفاء را در معنای «بهبود» و «درمان» بیماری تعبیر نمود.

الف. عسل در نگاه معصومان علیهم‌السلام

در منظر اهل بیت علیهم‌السلام عسل جایگاه ویژه‌ای دارد. در گونه اول روایات، با ملاحظه گفتار و توصیه معصومان علیهم‌السلام که در مواجهه با عسل داشتند، در می‌یابیم که چه تأکیدات و توصیه‌هایی بر این ماده شفابخش دارند. در این رهگذر با هشت دسته روایی مواجه می‌شویم که به شرح ذیل می‌باشند: خوشایندی پیامبر | از عسل، نوشیدن عسل توسط پیامبر | و ائمه علیهم‌السلام، رود نیل از رودهای بهشت و از عسل، استفاده از عسل در تشبیهات اخلاقی تربیتی، رد نکردن تعارف عسل، عسل نوشیدنی کامل، خوردن عسل و سیاهدانه، برداشتن کام نوزاد با عسل.



در خوشایندی پیامبر^ﷺ از غسل روایات معتبری وجود دارد که با عبارت «كان يعجبه العسل» بیان شده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۸۸/۱۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۲؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۱۰/۲). در منابع اهل سنت فقط در «صحیح بخاری» با ساختار «يَجِبُ الْعَسَلُ وَالْحَلْوَاءُ» آمده است (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۶۷/۶). معصومین^{علیهم‌السلام} در بیان اهمیت برخی مسائل و اماکن در دنیا به منشأ ماورائی و بهشتی آن مسائل و اماکن اشاره نموده‌اند. در رودخانه‌های چهارگانه دنیا، رود نیل را از بهشت و از جنس غسل جاری در آن توصیف نموده و صورت معنوی این رود را در دنیای ماورائی برای ما اهل دنیا متصور نموده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۵۰/۱؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۷)

در کلام معصومان^{علیهم‌السلام} استفاده از غسل در تشبیهات اخلاقی تربیتی دارای جایگاه می‌باشد. معصوم^{علیه‌السلام} در تشبیه «ایمان» از «عسل» استفاده و فساد «ایمان» با «غضب» را به فساد «عسل» با «سرکه» تشبیه می‌نمایند. همین‌گونه تشبیه در فساد «عمل» با «اخلاق بد» است. و نیز در گفتار ائمه^{علیهم‌السلام} ملاحظه می‌شود که می‌فرمایند، «حکمت» در دلی پرورش می‌یابد که آن دل با شهوت‌ها پاره نگردیده و با زیاده‌خواهی‌ها آلوده نشده باشد، همان‌گونه که «عسل» در «مشک سالم» می‌ماند تا هنگامی که مشک پاره نشده یا خشک نشده باشد، «عسل» در هر ظرف سالم نماند، تشبیه «حکمت» در هر دل پرورش نیابد، این تشبیه نشان از ارزشمندی غسل بوده که در بیان مطلب مهمی همچون حکمت، معصوم از غسل استفاده می‌نماید. بنابراین می‌توان بیان داشت که مخاطب را متوجه اهمیت مطالب نمایند از ارزشمندی «عسل» در قالب تشبیه بهره می‌برند (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۸۰/۳).

درباره این ماده شفاءبخش آن‌گونه مورد توصیه معصومان^{علیهم‌السلام} قرار گرفته که پیامبر اکرم^ﷺ فرمود: «لَا تَرُدُّوا شَرِبَةَ الْعَسَلِ»؛ چنانچه عسل را به شما تعارف کردند، رد نکنید و در مورد کمتر ماده غذایی این چنین توصیه‌ای از معصومین^{علیهم‌السلام} صادر شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۳۶/۲؛ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا^{علیه‌السلام}، ۱۴۰۶: ۵۳). در احوال پیامبر^ﷺ آمده هنگامی که «مخلوط شیر و عسل» را تقدیم او کردند، ایشان هر کدام را یک نوشیدنی مستقل دانسته و یکی را کافی جهت نوشیدن می‌دانستند و فرمود: «شَرَابَانِ يَكْتَفَى بِأَحَدِهِمَا». لذا این موضوع که عسل به تنهایی یک نوشیدنی کامل است، اثبات می‌نماید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۵۵؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۰۹/۲؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۱۶/۲).

سفارش علی بن موسی الرضا^{علیه‌السلام} به عسل و سیاهدانه با تعبیر «عَلَيْكُمْ بِالْعَسَلِ وَحَبِّ السَّوْدَاءِ» نشان از نقش عسل در ترکیب شفابخش مجرب «عسل و سیاهدانه» است که با لفظ «عَلَيْكُمْ» به آن توصیه نموده‌است (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا^{علیه‌السلام}، ۱۴۰۶: ۳۴۶). در برداشتن کام نوزاد سفارش به آب فرات شده و بلافاصله بعد از آن در صورت عدم حصول به آب فرات، توصیه به «کام برداشتن نوزاد به

عسل» شده است. این اشاره‌ای به اهمیت این غذای شفابخش است که ابتدای ورود نوزاد اشرف مخلوقات به دنیا، قبل از نوشیدن از شیر مادر که غذای اصلی شیرخوار است، می‌تواند عسل معجزه‌گر را بنوشد (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۴۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵۲۱). بنابراین این گونه‌های روایی بیان شده، ما را به این امر اذعان می‌دارد که توصیه معصومین علیهم السلام به عسل قطعی و حکیمانه است.

ب. شفابخشی عسل در کلام معصومان علیهم السلام

شفابخشی عسل در کلام و بیان معصومان علیهم السلام ملاحظه شده است. اخبار وارد شده در این حوزه را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود و هر یک نیز دارای گروه‌های روایی مستقل می‌باشند. گروه اول روایاتی که واژه «شفاء» را ندارند و بر شفابخشی و درمانگری عسل «اشاره معنایی» دارند. گروه دوم روایاتی که صراحتاً با واژه «شفاء» به شفابخشی عسل اشاره دارند. در گروه اول، دوازده دسته روایی قابل ملاحظه است و در گروه دوم، با شش دسته روایت مواجه می‌شویم. هر یک از دو گونه روایی به‌طور مستقل بیان خواهند شد.

۱. شفابخشی عسل در کلام معصومان علیهم السلام بدون واژه «شفاء»

در این گروه روایی، دوازده دسته روایی با عناوین ذیل قابل ملاحظه است: شفا با یک انگشت عسل، تقویت قوای جنسی با عسل، عسل پیشگیری از فلج، معجون شفابخش با عسل، درمان با عسل و زعفران و تربت سیدالشهداء، مداوای جراحت با روغن و عسل، عسل درمان جنون، تقویت حافظه و رفع بلغم بد، درمان درد شکم با عسل و سیاهدانه، درمان اسهال با عسل، درمان با عسل در عجز از بیماری، عسل برکت و درمان بیماری‌ها.

این گروه روایات در دوازده دسته روایی قرار می‌گیرند که بررسی و شرح مستقل هر دسته روایی بیان می‌گردد.

۱-۱. شفا با یک انگشت عسل

در کتاب شریف «کافی» روایتی به شفا با یک انگشت عسل با واژه «مُزَعَه» اشاره شده است. در روایت از معصوم درباره «مُزَعَه» سوال شد که حضرت به معنای «لَعَقَه» اشاره نمود (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۵۶/۱۵). «مُزَعَه» در کتب لغت به «جرعه» ترجمه شده است. واژه «لَعَقَه» به معنای لیسیدن و زبان‌زدن آمده است. «لَعَقَه» به فتحه لام؛ به معنای آن مقدار کم غذا که در قاشق یا با انگشت می‌توان خورد. «لَعَقَه» به ضمه لام؛ بر وزن فُعَلَه «اسم مره» یا اسم تکرار است و به معنای «یک بار لب‌زدن و



خوردن» است. بنابراین «لَعَفَهُ» به یک انگشت یا قاشق از هر خوردنی گفته می‌شود. مشابه این روایت از اهل سنت نیز در کتاب‌های «سنن ابن ماجه»، «تفسیر القرآن العظیم»، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» آمده است (ابن ماجه، بی تا، ۱۱۴۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۹۹/۴؛ سیوطی، بی تا، ۱۲۲/۴).

۲-۱. تقویت قوای جنسی با عسل

یک روایت تحت این عنوان، در کتاب «کافی» دو مرتبه و در کتاب «محاسن» یک مرتبه بیان شده است. عبارت این سه حدیث مشابه یکدیگر و با تفاوت اندکی ذکر گردیده است. عبارت حدیثی مشترک «مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ وَالْعَسَلُ» بوده که به این معنا اشاره دارد که «اگر کسی آب پشت اش دگرگون گردد، شیر و عسل برای او سودمند است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۰۱/۱۲). این روایت مرتبه دوم از «کافی» در اثناء حدیثی طولانی آمده است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۵۱/۱۵). این روایت در «محاسن» نیز ذکر شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۴۹۲/۲).

۳-۱. عسل پیشگیری از فلج

روایتی با این عنوان در کتاب «کافی» و «محاسن» بیان گردیده است. معنای روایت اشاره دارد که امام جعفر صادق علیه السلام درخواست «تمر» یا خرما و میل نمود، سپس فرمود: میل به خرما نداشتم ولی ماهی خوردم! سپس بیان داشت کسی که شب با شکمی که در آن ماهی است، بخوابد و در پی آن چند خرما یا عسل نخورده باشد، احتمال می‌رود که رگ فلج تا صبح بر او غالب شود» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۶۰/۱۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۷۵/۲).

۴-۱. معجون شفابخش با عسل

در این عنوان یک روایت از کتاب «کافی» شریف ذکر شده است. این روایت نسخه‌ای بوده که خداوند به حضرت موسی علیه السلام عطا فرموده و به نقل از امام صادق علیه السلام است که فرمود: موسی بن عمران به پروردگارش از رطوبت چاره جویی کرد، خداوند متعال ایشان را فرمود تا هلیله و بلبله و آمله را با عسل معجون کرده و استفاد کند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: این در نزد شما «طریفل» نامیده می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۵۳/۱۵).

۵-۱. درمان با عسل و زعفران و تربت سیدالشهداء

روایتی در چهار منبع شیعه امامیه با متن مشابه یکدیگر بیان گردیده که به مداوای بیماری شیعیان با «عسل و زعفران و تربت سیدالشهداء» اشاره دارد که شامل؛ کتاب‌های «کافی»، «محاسن»، «علل

الشرايع» و «كامل الزيارات» (كلینی، ۱۴۲۹: ۱۵۵/۸؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۱۰/۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۷۴). محتوای روایت درباره بانویی است که پشم ریسیده‌ای را به فردی داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، فرد گفت: چون پرده‌داران را می‌شناختم کراحت داشتم آن را به ایشان بدهم؛ پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارك حضرت ابی جعفر علیه السلام رسیده به ایشان عرض کردم: فدایت شوم بانویی پشمی ریسیده به من داده و گفته که آن را به پرده‌داران کعبه دهم تا پرده‌ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراحت دارم، تکلیف چیست؟ حضرت فرمود: با آن «عسل و زعفران» خریده و از قبر حسین علیه السلام مقداری «تربت» بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن عسل و زعفران بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض‌های خود را «مداوا کنند».

۶-۱. مداوای جراحی با «روغن و عسل»

حدیثی از کتاب شریف «کافی» دو مرتبه مشابه یکدیگر آمده و اشاره دارد به مداوای انگشتان بریده دست با «روغن و عسل» اینکه چنانچه انگشتان دست بریده شده است، خوردن غذای «روغن و عسل» جهت بهبودی توصیه شده است. محتوای روایت بیان دارد به اینکه راوی یک مرد «حبشی» را در شهر مدینه دید که انگشتان دست او قطع است و پرسش نمود: چه کسی بریده است و او گفت: بهترین مردم! ما دزدی کردیم و هشت نفر بودیم و ما را گرفتند و نزد امیرالمومنین علی علیه السلام بردند و اقرار به سرقت نمودیم و حضرت فرمودند که آیا می‌دانید که حرام است؟ ما گفتیم: بله. سپس امر کردند به قطع کردن انگشتان دستان و باقی گذاشتن انگشت شصت. آنگاه دستور دادند که در خانه‌ای حبس شویم و غذای «روغن و عسل» دادند تا دست ما خوب شد (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۵۴/۱۴)، روایت در مرتبه دوم نیز در همین مضمون مشابه با سندی دیر بیان گردیده است. شایان ذکر است که در روایت دوم «گوشت» نیز در کنار «روغن و عسل» به غذای آنان افزوده می‌گردد (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۶۲/۱۴).

۷-۱. عسل درمان جنون العسل نُشْرَه

ذیل این عنوان یک روایت در سه منبع بیان گردیده است. منبع اول حدیث در «نهج البلاغه» در بخش «حکم امیرالمومنین علیه السلام»، حکمت شماره ۴۰۰ آمده و در مقام بیان آن است که «چشم زخم» و «رُقیه» و «فأل» حق است و غیر آن حق نیست و «بوی خوش» و «عسل» و «سواری» و «نظر به سبزه» نیز نوعی رقیه هستند (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۴۶). واژه «نُشْرَه» که صفت عسل بیان گردیده به معنای «رقیه» یعالج بها المجنون و المریض» است و «صبحی صالح» نیز واژه «النُشْرَه» را با عبارت «العوذة و الرقیه»



تعليق نموده است. یعنی نُشره، رُقيه‌ای است که با آن مجنون و مریض را درمان می‌کنند (ابن الاثیر، النهایه، ماده: نشر)، (مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۴۹۴/۳)، (کتاب الماء، ۱۲۵۵/۳). در این روایت، «عسل» را «نُشره» بیان داشته که رقيه‌ای برای «درمان مجنون و مریض» است. شایان ذکر است که با ملاحظه در ترجمه‌های نهج البلاغه، «نُشره» را به معنای مشابه بیان نموده که عبارتند از: «اندوه را می‌زداید و کسالت را بهبودی می‌بخشد» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۳۷۴)، «غمّ و اندوه را می‌زداید و بیمار بهبودی می‌یابد» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۲۷۴/۶)، «درمان کننده و نشاط آور است» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۷۲۷) و «بهبود دهد، و عسل درمان بود» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۴۳۳) آورده‌اند.

منبع دوم حدیث در کتاب «عیون اخبار الرضا» ذکر شده که امام هشتم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از جد بزرگوارشان امیرالمومنین علی علیه السلام بیان فرموده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۴۰/۲). منبع سوم حدیث در کتاب «صحیفة الامام الرضا» منسوب به امام رضا علیه السلام است. نکته شایان توجه این حدیث در منبع سوم به جای عبارت «الْعَسْلُ نُشْرَةٌ»، عبارت «الْعَسْلُ یُسْرٌ» آمده است که به احتمال زیاد تصحیف در کلمه «نُشر» به «یُسْر»، به جهت سیاق خط کوفی ایجاد شده است (علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۷۲).

۸-۱. تقویت حافظه و رفع بلغم بد

واژگان «عسل، قرائت قرآن و جویدن کُندر» جهت «ازدیاد و تقویت حافظه» و «رفع بلغم بد» در روایات توصیه شده است. در ذیل این عنوان، پنج روایت آمده است. روایت اول در کتاب «عیون اخبار الرضا» و «صحیفة الامام الرضا» وارد شده است که روایتی از امیرالمومنین علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه چیز است که حافظه را زیاد کند و بلغم را دفع کند، تلاوت قرآن و عسل و کندر است» (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۸/۲)، (علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۶۸). روایت دوم در کتاب «فقه رضوی» آمده است و فقط به «عسل» و «کُنْدُرَنَر» برای درمان اشاره شده است (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۴۶). روایت بیان می‌دارد: «عسل شفاء هر دردی برای کسی که یک انگشت عسل ناشتا بنوشد که بلغم را قطع نموده و صفراء را از بین می‌برد و مانع سوداء می‌گردد و ذهن را پاک و حافظه را خوب نموده آنگاه که همراه با کُنْدُرَنَر باشد». روایت سوم در خصوص «رفع خلط بلغم بد» است و در کتاب «کافی» بیان گردیده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۸۸/۱۲). معنای روایت از امام صادق علیه السلام اشاره دارد: «پیامبر صلی الله علیه و آله عسل می‌نوشید و می‌فرمود: قرائت آیاتی از قرآن و جویدن کُندر، بلغم را رفع می‌نماید». روایت چهارم در کتاب «جعفریات» روایتی از امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «سه چیز بلغم را از بین می‌برد؛ قرائت قرآن و کندر و عسل»

(ابن اشعث، بی تا، ص ۲۴۱). این روایت نیز در خصوص فقط رفع بلغم بد وارد شده است. روایت پنجم در کتاب «کافی» و کتاب «محاسن» ذکر شده است و تأکید صریح بر رفع بلغم با عسل که همراه قرائت قرآن و کُندر باشد، دارد. معنای روایت اشاره دارد: «یک انگشت عسل شفاء هر دردی است و عسل همراه با قرائت قرآن و جویدن کُندر باشد، موجب رفع بلغم می‌گردد» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۸۸/۱۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۲).

۹-۱. درمان درد شکم با عسل و سیاهدانه

یک روایت ذیل این عنوان در دو منبع، کتاب «جعفریات» و کتاب «دعائم الإسلام» آمده است. این روایت حکایت فردی است که نزد امیرالمومنین علی علیه السلام برای «شکم درد» آمده است و حضرت دستور «نوشیدن عسل» با «سیاهدانه» را می‌دهد و فرد می‌نوشد و بهبود می‌یابد. در کتاب «جعفریات» روایت بدین تعبیر «اَشْتَكِي بَطْنَهُ، خُذْ شَرْبَهُ عَسَلٍ وَ اَلْقِ فِيهَا ثَلَاثَ حَبَّاتِ شُونِيزٍ اَوْ خَمْسَ اَوْ سَبْعَ ثَمَّ اَشْرَبْهُ...» بیان گردیده است (ابن اشعث، بی تا، ۲۴۴). در کتاب «دعائم الإسلام» نیز مشابه مفهومی عبارت روایت در کتاب «جعفریات» با تفاوت اندک در واژگان آمده است (دعائم الإسلام، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۲). همچنین روایت را در قالب درد شکمی که برای امیر مدینه «مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ» پیش آمد نیز بیان شده است، که این فرد نزد امام صادق علیه السلام بیان کرد و ایشان حکایت روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان نمود (دعائم الإسلام، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۲).

۱۰-۱. درمان اسهال با عسل

در ذیل این عنوان یک متن در منابع اهل سنت ذکر شده است. در ذیل تفسیر آیه ۶۹ سوره نحل، در فراز «فیه شفاء للناس»، این متن از مفسران اهل سنت مکرر آمده است. این متن در کتاب «صحیح بخاری» در مقام بیان حکایت فردی است که دچار «اسطلاق بطن» یا «اسهال» شده است و روایت اشاره معنایی دارد به اینکه مردی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و از اسهال برادرش چاره جویی می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور نوشاندن عسل می‌دهد و مرد می‌رود و بعد از مدتی باز می‌گردد و می‌گوید فایده نداشته است و گزارش عدم بهبودی و حتی بدتر شدن برادرش را می‌دهد، دوباره حضرت همان دستور را می‌دهد و این امر دو یا سه بار تکرار می‌شود و در مرتبه آخر حضرت می‌فرماید «صدق الله و کذب بطن أخیک» یعنی خداوند متعال صادق در گفتار است و شکم برادرت دروغ می‌گوید. و فرد می‌رود و مجدد انجام می‌دهد، بیماری مرتفع می‌شود مثل اینکه بند از او باز شده باشد (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲/۷). در کتاب «المصنف» متن مذکور با مضمون مشابه ولی واژگان و سندی متفاوت بیان گردیده است (ابن ابی شیبیه، الکوفی، ۱۴۰۹: ۴۶۱/۵).



۱۱-۱. درمان با عسل، در عجز از بیماری

روایتی در منابع شیعه امامیه و اهل سنت بیان گردیده است. در کتاب «دعائم الإسلام» از منابع شیعی و در کتاب «المصنف» از منابع اهل سنت آمده است. در کتاب «دعائم الإسلام» روایت از امیرالمومنین علی (علیه السلام) این گونه بیان گردیده که اگر از علاج مریضی خود عاجز گشتید، از همسر خود درخواست کنید یک درهم از مهرش را به شما هبه کند یا ببخشد و با آن یک درهم عسل خریداری کنید و با آب باران مخلوط کنید و در آخر حدیث آورده که حضرت به چند آیه شریفه برای گفتار خویش استدلال می‌نماید و اشاره دارد به؛ آیه «مَهْر» که می‌گوید اگر چیزی همسر از مهرش داد مصرف کنید گوارایتان باد «فَإِنَّ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» و آیه «شفای با عسل»، «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» و آیه «آب مبارک» است «وَتَزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا» (دعائم الإسلام، ۱۳۸۵: ۱۴۸/۲).

در کتاب «المصنف» همان مضمون روایت در «دعائم الاسلام» را با واژگان متفاوت، به طور مجمل بیان می‌دارد. نکته شایان توجه در این حدیث آن است که با واژه «ثلاثة دراهم من صداقها» اشاره دارد. یعنی با سه درهم از مهر همسر که ببخشد عسل بخرد ولی روایت فوق در کتاب دعائم الاسلام با «یک درهم» اشاره شده است (ابن ابی شیبہ الکوفی، ۱۴۰۹: ۴۶۱/۵). در کتاب «دعائم الإسلام» این روایت به نحو اجمال بیان شده است (دعائم الإسلام، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

۱۲-۱. عسل برکت و درمان بیماری‌ها

در کتاب «صحیفة الامام الرضا» منسوب به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روایتی از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم ذکر شده که ابتدا عسل را با برکت نامیده و سپس با عبارت «فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ» عسل را شفای دردها به نحو مطلق معرفی نموده است. پیامبر اکرم فرمود: «همانا خداوند متعال در عسل برکت قرار داده و در عسل شفاء بیماری‌ها هست و هفتاد پیامبر را خدا به وسیله آن برکت داده است». در این روایت به نحو مطلق عسل را شفاء بیماری‌ها بیان نموده است (علی بن موسی، امام هشتم (علیه السلام)، ۱۴۰۶: ۹۰).

۲. شفا بخشی عسل در کلام معصومین (علیهم السلام) با واژه «شفاء»

در این گروه روایی با شش دسته روایت با شرح عناوین ذیل مواجه می‌شویم: عسل شفا بخش، عسل شفا بخش هر مرض، شفا بخشی مانند عسل نیست، شفای هر دردی با یک جرعه عسل، شفای در حجامت و عسل، قرآن و عسل دو شفا بخش. همان گونه که اشاره شد این گروه روایی از آن جهت که واژه «شفاء» در آنها اشاره شده است، تأکید بر اثر شفا بخشی عسل دارند. صد البته روایات فاقد واژه

«شفاء» در شفابخشی کاستی ندارند ولیکن این تأکید معصوم با واژه خاص «شفاء» نشان از اهمیت بیشتر این گروه از روایات می‌باشد.
این گروه روایات در شش دسته روایی قرار می‌گیرند که بررسی و شرح مستقل هر دسته روایی بیان می‌گردد.

۱-۲. عسل شفابخش

روایتی در کتاب «محاسن» با عبارت «الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ» از امیرالمومنین علی عليه السلام بیان شده است. در کتاب «محاسن» با دو طریق سندی این روایت ذکر شده است. متن روایت به شرح ذیل آمده است: «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸). این روایت در همین منبع با سند دیگر تکرار شده است: «عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ».
روایتی مشابه مضمون روایت فوق الذکر را «سیوطی» در «الدر المنثور فی التفسیر بالماثور» در ذیل آیه «فیه شفاء للناس» از «مجاهد» بیان نموده است: «هُوَ الْعَسَلُ فِيهِ الشِّفَاءُ وَ فِي الْقُرْآنِ» یعنی در عسل و قرآن شفابخشی است (سیوطی، بی تا، ۱۲۲/۴).

۲-۲. عسل، شفابخش هر مرض

یک روایت در «محاسن» ذکر گردیده و آن با قید تأکیدی که با واژگان «من کل داء» دارد، بر شفاء بخشی عسل توسعه معنایی داده و شفاء بیشتر بیماری‌ها را بیان نموده است؛ چراکه واژه «داء» بدون قید ذکر شده است. این روایت به شرح ذیل آمده است: «عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَوَاهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: «الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِذَا أَخَذْتَهُ مِنْ شَهْدِهِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸).
این روایت از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر عليه السلام وارد شده است و در عبارت پایانی با «إِذَا أَخَذْتَهُ مِنْ شَهْدِهِ» شرطی را بر شفابخشی مطرح می‌نماید که به جهت دسترسی آن، خللی در شفابخشی عسل نخواهد داشت و آن این‌که عسل از «شهد» گرفته شود. «شهد» به «عسلی که هنوز از موم جدا نشده باشد» اشاره دارد، بنابراین منظور عسلی است که از موم جدا شده و همراه با موم نباشد.
«سیوطی» در «الدر المنثور فی التفسیر بالماثور» روایتی مشابه این روایت از «ابن مسعود» می‌گوید: «إِنَّ الْعَسَلَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ الْقُرْآنُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» یعنی در عسل شفاء هر دردی است و قرآن شفای قلوب (سیوطی، بی تا، ۱۲۲/۴).



«ابن کثیر» در «تفسیر القرآن العظیم» روایتی را از «ابن ماجه» از پیامبر اکرم^ص می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالسَّنَا وَالسَّنُوتِ، فَإِنَّ فِيهِمَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ»؛ «بر شما باد به سنا و سنوت که شفاء هر دردی در این دو هست مگر مرگ». ابن کثیر می‌گوید: برخی سنوت را «سبت» یا «شوید» دانسته و برخی گفته‌اند «عسل» است. واژه «سنوت» در چند معنا من جمله: «عسل»، «زیره» و «رُب» استفاده شده است و واژه «سنا» برگ آن دوايي تلخ و مسهل است؛ لذا اشاره به شفابخشی عسل در صورت تعبیر مفهومی «السَّنُوت» به «عسل» هست (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۴۹۹).

۳-۲. شفابخشی مانند عسل نیست

با ملاحظه و بررسی روایات ذیل این عنوان، می‌توان روایات را در قالب سه نوع تعبیر حدیثی بیان نمود. تفاوت واژگانی آنها در واژه «مریض» و «الناس» و همچنین افزوده شدن واژه «شربه» یا «شراب» یا «شرب» است و نیز فعل در دو حالت «مَا اسْتَشْفَى» و «لَمْ يَسْتَشْفِ» آمده است.

نوع اول: «مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ»

نوع دوم: «مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ»

نوع سوم: «لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شَرْبَةِ الْعَسَلِ»

نوع اول، حدیثی با تعبیر «مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ» در منابع ذیل ذکر شده است. در کتاب «کافی» فقط از یک طریق سندی بیان شده است. متن حدیث از «کافی» به شرح ذیل است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام)، قَالَ: «مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲/۵۰۰-۴۸۸).

در «محاسن» روایت علاوه بر طریق سندی کافی، طریق سندی دیگری را نیز بیان نموده که در متن ذیل آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ. عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) مِثْلَهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸).

در «من لايحضره الفقيه» در اثناء ذکر یک روایت نسبتا بلند این عبارت حدیثی ذکر شده است. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ... مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۳۵۱). در کتاب «دعائم الاسلام» نیز این روایت آمده با این تفاوت که واژه «شرب» افزوده شده است؛ یعنی در ادامه حدیث با تعبیر «بِمِثْلِ شَرْبِ الْعَسَلِ» آمده است (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲/۱۴۸). در «جعفریات» در اثناء حدیث طولانی روایت آمده است که با تعبیر «بِمِثْلِ شَرَابِ الْعَسَلِ» می‌باشد که واژه «شَرَابِ» در معنای شَرْبِ است (ابن اشعث، ۱۳۵۹: ص ۲۴۳).

نوع دوم، حدیثی با تعبیر «مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ» با دو طریق سندی متفاوت از «حَمَّادُ بْنُ عُمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ» از امام صادق علیه السلام در کتاب «کافی» و «محاسن» نقل شده است. متن ذیل روایت از «کافی» می باشد: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: «مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲/۵۰۰-۴۸۸؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸)

نوع سوم، حدیثی «لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شَرْبِهِ الْعَسَلِ» در «محاسن» با سندی مستقل از امیرالمومنین علی علیه السلام ذکر شده است. متن حدیث به شرح ذیل آمده است: «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ رَفَعَهُ قَالَ، قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ -عَلِيهِ السَّلَام- لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شَرْبِهِ الْعَسَلِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸).

۴-۲. شفای هر دردی با یک جرعه عسل

بهبود دردها با عسل در کلام معصومین مکرر وارد شده است. روایاتی با عبارت مشترک «لَعُقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ» بیان گردیده است. بدین معنا اشاره دارد که «خوردن انگشتی از عسل موجب شفای هر دردی است». در واژگان «لَعُقُ الْعَسَلِ» یا «لَعَقَهُ الْعَسَلِ»، واژه «لَعَقَهُ» را به «جرعه» و «قاشق» نیز ترجمه نموده اند. «لَعَقَهُ» به طور کلی به معنای «لیسیدن و زبان زدن» آمده است و در معنای لغوی، «لَعَقَهُ» به معنای «آن مقدار غذا که با قاشق یا با انگشت می توان خورد»، ذکر شده است و همچنین «مقدار کمی از آنچه با لب خورده می شود» و به ضم لام، «لَعَقَهُ» به معنای «یکبار لب زدن و خوردن» می باشد. بنابراین به مقدار یک انگشت یا قاشق یا جرعه از هر خوردنی «لَعَقَهُ» گفته می شود. در ادامه برخی از روایات قسمت دوم با عبارت «وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ وَ مَضْغِ اللَّبَانِ يَذِيبُ الْبَلْغَمَ» افزوده شده که اشاره دارد به اینکه «عسل همراه قرائت قرآن و جویدن کُندر موجب رفع بلغم است». این عبارت اخیر بدین معنا می باشد که علاوه بر آنکه عسل به تنهایی شفای هر بیماری است، همچنین «عسل همراه قرائت قرآن و جویدن کُندر» باعث از بین رفتن «بلغم» نیز می شود.

روایت مذکور در کتاب «کافی» و «محاسن» مانند هم در متن و سند بیان شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَعُقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲/۵۰۰-۴۸۸؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸). در کتاب «محاسن» روایتی مشابه اما با سندی دیگر و بدون قسمت دوم نیز آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَعُقُ الْعَسَلِ فِيهِ شِفَاءٌ...» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰-۴۹۸).



روایت در کتاب شریف «کافی» از امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمومنین علی علیه السلام آمده است:
«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَعُقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يُخْرِجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾ وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ وَ مَضْغُ اللَّبَانِ يَذِيبُ الْبَلْغَمَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۳).

این روایت در کتاب «خصال» و نیز «تحف العقول» در ضمن حدیث طولانی از امیرالمومنین علی علیه السلام آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام... قَالَ عليه السلام: لَعُقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُخْرِجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَضْغُ اللَّبَانِ يَذِيبُ الْبَلْغَمَ...»: خوردن انگشتی از عسل موجب شفای هر دردی است، خداوند متعال می‌فرماید: «از شکم زنبوران شیرهای بیرون می‌آید که رنگ‌های گوناگون دارد و در آن برای مردم شفاست و عسل به همراه خواندن قرآن و جویدن کندر بلغم را رفع می‌کند». با این تفاوت که تعبیر «لَعُقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ» به نحو مطلق بدون قید توضیحی «مِنْ كُلِّ دَاءٍ» بیان شده و قسمت دوم روایت در «تحف العقول» ذکر نشده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۳).

روایتی شبیه عبارت مورد بحث مذکور، در «فقه رضوی» منسوب به امام رضا علیه السلام با عبارت «فِي الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مَنْ لَعَقَ لَعَقَهُ عَسَلٍ» نیز آمده است. علاوه بر اینکه به «شفاء بودن یک انگشت از عسل ناشتا برای هر بیماری» اشاره دارد، به از بین برنده بودن اخلاط بد نیز تأکید دارد؛ یعنی رفع بلغم و از بین بردن صفراء و ممانعت سوداء نیز اشاره نموده و افزون بر این بیان داشته که عسل به پاکسازی ذهن و خوب نمودن حافظه اگر با کندر نر باشد، کمک می‌نماید (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ۱۴۰۶: ۳۴۶).

از اهل سنت در «سنن ابن ماجه» نیز متن «مَنْ لَعَقَ الْعَسَلِ ثَلَاثَ غَدَوَاتٍ، كُفَّ شَهْرٌ، لَمْ يَضْبَهُ عَظِيمٌ مِنَ الْبَلَاءِ» ذکر شده است که «ابی هریره» از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: کسی یک انگشت عسل در سه صبح ناشتا در هر ماه بخورد، به بیماری سخت و بزرگ دچار نخواهد شد (ابن ماجه، بی تا، ۲، ۱۱۴۲).

۵-۲. شفای در حجامت و عسل

در ذیل این عنوان یک روایت با تعبیر لفظی مشابه در دو منبع شیعی و در چندین منبع اهل سنت با مضمون و مفهوم یکسان بیان گردیده است که عبارت بدین گونه آمده است: «شِفَاءٌ فِي شَرِطَةِ حَجَامٍ أَوْ شَرِبَةِ عَسَلٍ».

در منابع شیعی، منبع اول در کتاب «عیون اخبار الرضا» از شیخ صدوق و منبع دوم در کتاب «صحیفة الامام الرضا (علیه السلام)» منسوب به امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) آمده است. در هر دو منبع یک عبارت حدیثی مشابه آمده و معنای آن اشاره دارد که؛ رسول اکرم | فرمود: «اگر شفا در چیزی باشد، در بیشتر حجامت کننده و نوشیدن عسل خواهد بود». به عبارت دیگر در حجامت کردن و نوشیدن عسل شفاء و درمان است (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۳۵/۲؛ علی بن موسی، امام هشتم، ۱۴۰۶: ۵۴). متن حدیث از «عیون اخبار الرضا» به متن ذیل است: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ | إِنَّ يَكُنْ فِي شَيْءٍ شِفَاءٌ فَفِي شَرْطَةِ حَجَّامٍ أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ».

در چندین منبع از منابع اهل سنت، متونی با مضمونی تقریباً یکسان با عبارت‌های مشابه با اندک تفاوت آمده است. تفاوت اصلی این متون با مقایسه با منابع شیعی، در عبارت افزوده شده به انتهای حدیث است که عبارت «کَیْهَ بِنَارٍ وَ أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ» می‌باشد، و اشاره معنایی دارد به «داغ گذاشتن به آتش» است و در ادامه پیامبر | فرمود: «من از داغ گذاشتن امت را نهی می‌کنم». این عبارت فقط در منابع اهل سنت بیان شده است.

در کتاب «صحیح البخاری» دو متن با عبارت مشابه به معنای «شفاء در نوشیدن عسل و تیغ حجامت کننده و داغ گذاشتن به آتش» آمده است. سپس اشاره شده که پیامبر | فرمود: «من از داغ گذاشتن امت را نهی می‌کنم» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲/۷). عبارت این دو متن مشابه و با اندک تفاوت در جابجایی برخی واژگان بدین قرار است:

الف. «الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثٍ، شَرْبَةِ عَسَلٍ وَ شَرْطَةِ مُحَجِّمٍ وَ كَيْةِ نَارٍ وَ أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ».

ب. «الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثِهِ، فِي شَرْطَةِ مُحَجِّمٍ أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ أَوْ كَيْةِ بِنَارٍ وَ أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ».

در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» و «المعجم الكبير» مشابه متن «الف» ذکر شده است (احمد بن محمد بن حنبل، بی تا، ۲۴۶/۱، ۲۵۷؛ الطبرانی، بی تا، ۳۴۶/۱).

در کتاب «المصنف» دو متن در ذیل این عنوان ذکر شده است که به شرح ذیل هستند:

الف. «إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِمَّا تُعَالِجُونَ بِهِ شِفَاءً فَفِي شَرْطَةِ مَنْ مُحَجِّمٍ، أَوْ فِي شَرْبَةِ مَنْ عَسَلٍ، أَوْ لَذَعِهِ

مِنْ نَارٍ يَصِيبُ بِهَا الْمَاءُ، وَمَا أَحَبُّ أَنْ أُكْتَوِيَ».

این متن به این معنا اشاره دارد که: «چنانچه در امری که با آن معالجه می‌کنید اگر شفاء باشد، آن امر در تیغ حجامت کننده یا در نوشیدن عسل است یا داغ گذاشتن با مقداری از آتش در موضع درد است و داغ گذاشتن را دوست نمی‌دارم».

«إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَدْوِيَتِكُمْ خَيْرٌ، فَفِي شَرْطَةِ مَنْ مُحَجِّمٍ، أَوْ فِي شَرْبَةِ مَنْ عَسَلٍ» (ابن ابی شیبیه

الکوفی، ۱۴۰۹: ۴۶۱/۵).



این متن اشاره معنایی دارد به اینکه: «اگر در داروهای شما خیر باشد آن در تیغ حجامت‌کننده یا در نوشیدن عسل است».

در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» مشابه متن «الف» دو مرتبه و مشابه متن «ب» یک مرتبه بیان شده است (احمد بن محمد بن محمد بن حنبل، بی تا، ۱۴۶/۴ و ۴۰۱/۶ و ۳۴۳/۳) و در کتاب «صحیح مسلم» مشابه متن «ب» وارد شده است (مسلم نیشابوری، بی تا، ۲۲/۷).

در کتاب «مسند ابویعلی» مشابه متن «الف» و «ب» ذکر شده است و در کتاب «المعجم الکبیر» مشابه متن «الف» دو مرتبه آمده است (أبویعلی الموصلی، بی تا، ۳۰۰/۳ و ۳۶۰/۱۲)، (الطبرانی، بی تا، ۲۸۹/۱۷ و ۴۳۰/۱۹).

۶-۲. قرآن و عسل، دو شفابخش

نزد اهل سنت متنی از «ابن‌ابی‌شبیبه الکوفی» در کتاب «المصنف» از «أسود» به نقل از «ابن مسعود» وارد شده که به «شفاء بودن قرآن و عسل» اشاره دارد و با عبارت «عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ الْعَسَلِ» آمده است. توصیه با لفظ «عَلَيْكُمْ» نشان از اهمیت قائل شدن برای شفابخشی «قرآن» و «عسل» است که در این متن می‌توان ملاحظه نمود؛ لیکن این متن در منابع روایی شیعه دیده نشده است، بنابراین این دسته روایی قابلیت بررسی در پژوهش را ندارد. متن آن به شرح ذیل است: «حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَعَاوِيَةَ وَ ابْنُ نَمِيرٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ خَيْثَمَةَ عَنِ الْأَسْوَدِ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ الْعَسَلِ».

به این معنا اشاره دارد: «بر شما باد به دو شفابخش، قرآن و عسل». این متن را اهل سنت در کتاب تفسیری «تفسیر القرآن العظیم» از «ابن کثیر» به نقل از «ابن مسعود» از «سنن ابن ماجه» مرفوعا و تفردا آورده و «طبری» آنرا موقوفا بیان کرده است (ابن‌ابی‌شبیبه الکوفی، ۱۴۰۹: ۴۶۱/۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۹۹/۴).

«سیوطی» در کتاب تفسیری روایی «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» متنی را با دو طریق سندی از «ابن مسعود» مشابه مفهومی متن فوق اشاره می‌کند (سیوطی، بی تا، ۱۲۲/۴) ایشان در همین کتاب ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ﴾ (یونس: ۵۷) روایتی را از «الطبرانی» و «أبو الشیخ عن أبی الأحوص» به نقل از «ابن مسعود» عبارت «إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي شَيْئَيْنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَسَلِ» بیان می‌دارد که مشابهت مفهومی با روایات فوق الذکر دارد. متن کامل روایت به شرح ذیل است: «قَالَ إِنَّ أَحْيَى يَشْتَكِي بَطْنَهُ فَوَصَفَ لَهُ الْخَمْرَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ فِي رَجِيسٍ شِفَاءً، إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي شَيْئَيْنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَسَلِ فِيهِمَا شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (سیوطی، بی تا، ۳۰۸/۳).

نتیجه گیری

شفاءبخشی و درمانگری عسل مهمترین ویژگی این غذای قرآنی بوده که در روایات معصومان علیهم السلام نیز به آن تأکید شده است. لذا می توان گفت خاصیت شفای در عسل و درمانگری آن در بیشتر بیماری ها وجود دارد. در کلام معصوم علیه السلام بر عسل و درمانگری آن تأکید شده که «یک انگشت عسل شفای هر بیماری» بیان شده است. بنابراین «عسل» در شفاءبخشی و درمانگری در جایگاه خاصی قرار دارد آن گونه که معصومان علیهم السلام در مواضع مختلف از این غذای قرآنی الهی در جهت شفاءبخشی و درمانگری بهره برده و به آن صراحتاً تأکید و توصیه نموده اند. بررسی روایات مرتبط با عسل در عصر کنونی که جوامع بشری دچار امراض متعدد شده اند، لازم است و می بایست این مهم در برنامه رژیم غذایی جامعه اسلامی نهادینه شود؛ لیکن عنایت به شرایط جسمی و مزاج هر فرد ضروری می باشد؛ چراکه عدم توجه به این امر موجب عارضه جسمی خواهد شد. با رفع مشکلات جسمانی جامعه اسلامی موجبات فضای ورود به وادی معنویت و برداشتن گام های بلندی روحانی میسر گردد.



جدول آماری روایات «شفا بخشی عسل در کلام معصومین» با واژه «شفاء»

درجه اعتبار	قرن	مذهب مؤلف	منبع	زیر عنوان	سر عنوان
۳/ب	۳	شیعه	المحاسن	عسل شفابخش	شفابخشی عسل در کلام معصومین با واژه شفاء
۳/ب	۳	شیعه	المحاسن	عسل شفابخش هر مرض	
۱/الف	۴	شیعه	کافی	شفابخشی مانند عسل نیست	
۳/ب	۳	شیعه	المحاسن		
۳/الف	۴	شیعه	من لایحضره الفقیه		
۳/ج	۴	شیعه	دعائم الاسلام		
۴/ب	۴	شیعه	جعفریات		
۱/الف	۴	شیعه	کافی		
۳/ب	۳	شیعه	المحاسن		
۶/الف	۴	شیعه	خصال		
۲/ب	۴	شیعه	تحف العقول		
۳/ب	-	شیعه	فقه رضوی		
۵/الف	۳	سنت	سنن ابن ماجه		
۸/الف	۴	شیعه	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small>	شفای در حجامت و عسل	
-	۳	شیعه	صحیفة الامام الرضا <small>علیه السلام</small>		
۱/الف	۳	سنت	صحیح البخاری		
۶/الف	۳	سنت	مسند أحمد بن حنبل		
۱/ب	۴	سنت	المعجم الكبير		
۱/ب	۳	سنت	المصنف		
۲/الف	۳	سنت	صحیح مسلم		
۲/ب	۴	سنت	مسند ابویعلی		
۱/ب	۳	سنت	المصنف		قرآن و عسل، دو شفابخش

جدول آماری روایات «شفا بخشی عسل» در روایات بدون واژه «شفاء»

درجه اعتبار	قرن	مذهب مؤلف	منبع	زیر عنوان	سر عنوان
الف/۱	۴	شیعه	کافی	شفاى با یک انگشت عسل	شفا بخشی عسل در روایات بدون واژه شفاء
الف/۵	۳	سنت	سنن ابن ماجه		
الف/۱	۴	شیعه	کافی	تقویت قوای جنسی با عسل	
ب/۳	۳	شیعه	المحاسن		
الف/۱	۴	شیعه	کافی	عسل پیشگیری از فلج	
ب/۳	۳	شیعه	المحاسن		
الف/۱	۴	شیعه	کافی	معجون شفا بخش با عسل	
الف/۱	۴	شیعه	کافی	درمان با عسل، زعفران و تربت سیدالشهداء	
ب/۳	۳	شیعه	المحاسن		
الف/۸	۴	شیعه	علل الشرايع		
ب/۳	۴	شیعه	کامل الزیارات		
الف/۱	۴	شیعه	کافی	مداوای جراحت با «روغن و عسل»	
الف/۵	۵	شیعه	نهج البلاغه	عسل درمان جنون	
الف/۸	۴	شیعه	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small>		
-	۳	شیعه	صحيفة الامام الرضا <small>علیه السلام</small>		
الف/۱	۴	شیعه	کافی	تقویت حافظه و رفع بلغم بد	
ب/۳	۳	شیعه	المحاسن		
ب/۴	۴	شیعه	جعفریات		
الف/۸	۴	شیعه	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small>		
ب/۳	-	شیعه	فقه رضوی		



ب/۴	۴	شیعه	جعفریات	درمان درد شکم با غسل و سیاهدانه
ج/۳	۴	شیعه	دعائم الإسلام	
الف/۱	۳	سنت	صحیح البخاری	درمان اسهال با غسل
ب/۱	۳	سنت	المصنف	
ج/۳	۴	شیعه	دعائم الإسلام	درمان با غسل، در عجز از بیماری
ب/۱	۳	سنت	المصنف	
-	۳	شیعه	صحیفة الامام الرضا <small>علیه السلام</small>	غسل برکت و درمان بیماری‌ها

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۳. إعتقادات الإمامية (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. بحر الجواهر (معجم الطب الطبيعي)، هروی، محمد بن یوسف، قم: جلال الدین، ۱۳۸۷ ش.
۵. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، صفار، محمد بن حسن، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۶. تاج اللغة و صحاح العربية، جوهری، اسماعیل بن حماد، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۷. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۸. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، لبنان: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، ۱۴۱۹ ق.
۹. تهذیب اللغة، ازهری، محمد بن احمد، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. الجعفریات (الأشعثیات)، ابن اشعث، محمد بن محمد، تهران، بی نا، بی تا.
۱۱. الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، قم، بی نا، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، سیوطی، جلال الدین، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر، بی نا.
۱۳. دعائم الإسلام، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۱۴. الزهد، کوفی اهوازی، حسین بن سعید، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۱۵. سنن ابن ماجه، ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، لبنان: دارالفکر بیروت، بی نا.
۱۶. صحیح المسلم، أبو الحسن القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، الناشر: دار احیاء التراث العربی بیروت.
۱۷. صحیح البخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبد الله، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.



۲۱. علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی، قم، بی‌نا، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۸ ق.
۲۳. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، مشهد، بی‌نا، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. القاموس المحيط، فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. قاموس قرآن، قرشی بنابی، علی اکبر، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۲۷. کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، نجف اشرف، بی‌نا، ۱۳۵۶ ش.
۲۸. کنز الفوائد، کراجکی، محمد بن علی، ایران، قم، بی‌نا، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، قم، بی‌نا، ۱۳۷۱ ق.
۳۰. المحکم و المحيط الأعظم، ابن سیده، علی بن اسماعیل، محقق/مصحح: هنداوی، عبدالحمید، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. المحيط فی اللغة، صاحب، اسماعیل بن عباد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، اشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی‌نا، بی‌نا، بی‌نا.
۳۳. مسند ابویعلی، أبویعلی الموصلی، احمد بن علی، تحقیق: حسین سلیم أسد، بی‌نا، دارالمأمون للتراث، بی‌نا.
۳۴. مسند أحمد بن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل، ابوعبدالله، بیروت: دار صادر، بی‌نا.
۳۵. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، فیومی، احمد بن محمد، ناشر قم: موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. المصنف، ابن أبی شیبہ الکوفی، أبوبکر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. المعجم الكبير، الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، الطبعة الثانیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌نا.
۳۸. معجم المعاجم، اقبال، احمد شرقاوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳ م.
۳۹. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. المقنعة، مفید، محمد بن محمد، قم، بی‌نا، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. المکنز العربی المعاصر، اسماعیل صینی، محمود، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۴۱۴ ق.

۴۲. من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علي، قم، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۴۳. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حلواني، حسين بن محمد بن حسن بن نصر، قم، بی نا، ۱۴۰۸ق.
۴۴. النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن اثير، مبارك بن محمد، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، ۱۳۶۷ش.
۴۵. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: فيض الإسلام، تهران، بی نا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش.
۴۶. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: انصاريان، حسين، تهران، بی نا، ۱۳۷۹ش.
۴۷. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: دشتي، محمد، تهران، بی نا، ۱۳۷۹ش.
۴۸. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: شهيدى، جعفر، تهران، بی نا، ۱۳۷۹ش.
۴۹. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، صبحى صالح، تهران، بی نا، ۱۳۷۹ش.